

عوامل مؤثر در میزان مشارکت داوطلبان جمعیت هلال احمر

رویا رمضانی نژاد^۱، پویا علالدین^۲

۱- نویسنده مسئول: کارشناس ارشد علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ایران

Email: r1r2rose@yahoo.com

۲- دکتری علوم اجتماعی، استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ایران

وصول مقاله: ۸۷/۶/۳۰ پذیرش نهایی مقاله: ۸۷/۷/۲۷

چکیده

مقدمه: شناسایی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت داوطلبان جمعیت هلال احمر، می تواند موجبات مشارکت بیشتر اقشار جامعه را فراهم سازد. هدف مطالعه حاضر، شناخت عوامل مؤثر بر میزان مشارکت داوطلبان جمعیت هلال احمر می باشد.

روش ها: در این پژوهش از روش تحقیق کیفی استفاده شده است. جامعه این مطالعه از داوطلبان فعال، عادی و مسئولان امور داوطلبان جمعیت هلال احمر می باشند. برای جمع آوری اطلاعات از تکنیک بحث های گروهی متمرکز و پرسش ها به صورت نیمه باز استفاده شد.

یافته ها: داوطلبان فعال نگاه غایت گرایانه به مشارکت دارند. آن ها برگزاری جلسات گروهی را عامل مهمی برای غلبه بر احساس بی قدرتی می دانند. داوطلبان غیرفعال که رویکرد ابزاری به مشارکت دارند و برای افزایش اعتماد، شفاف سازی را مطرح می نمایند. داوطلبان فعال با رویکرد غایت گرایانه، مشارکت گسترده خود را به عنوان وظیفه تلقی می نمودند و انگیزه مشارکت خود را در جهت ارضای نیازهای درونی خویش می دانستند. در حالی که داوطلبان غیرفعال، عدم مشارکت خود را ناشی از ضعف مدیریت در سازمان می دانستند. مسئولان امور داوطلبان معتقد بودند که برای گسترش مشارکت به صورت مستمر و سازمان یافته باید احساس نیاز به مشارکت در جامعه نهادینه شود.

نتیجه گیری: با توجه به دیدگاه های مختلف در خصوص مشارکت داوطلبانه می بایست کارکردی دوگانه برای مشارکت قائل شد. یعنی روشی برای آموزش و آگاهی داوطلبان برای حضور در جلسات گروهی و شرکت در اتخاذ تصمیمات و در عین حال سهیم شدن در مسؤولیت. مشارکت در جمعیت هلال احمر هم به عنوان غایت و هم به عنوان هدف مورد نظر است.

کلمات کلیدی: مشارکت داوطلبان، عوامل مؤثر بر مشارکت، جمعیت هلال احمر

مقدمه

مشارکت به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه در حوزه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و به ویژه توسعه انسانی مطرح است (۱). در دهه اخیر، کشورهای پیشرفته صنعتی، کلید حل برخی از معضلات جوامع خود را دموکراسی مشارکتی، توسعه مشارکتی و اقدامات مشارکتی دیگر دانسته‌اند؛ به طوری که در کشورهای توسعه یافته مردم از طریق نهادهای مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، آموزشی، کاری و امثال آن در تصمیم‌گیری‌های حوزه‌های کار، علم و تخصص در قالب سازمان‌های رسمی و غیررسمی فعال می‌باشند (۲). در مقابل، آنها با نظر هوین کاتورتی روبرو هستند که مشارکت در کشورهای در حال توسعه را معمولاً با موانع و محدودیت‌های ساختاری، اجتماعی - فرهنگی، سیاسی، ایدئولوژیک و محدودیت‌های نهادی همراه می‌داند (۳). با توجه به موانع و مشکلات مطرح شده، لازم است مشارکت را در کشورهای در حال توسعه تشویق و تقویت کرد (۴).

جمعیت هلال احمر می‌تواند زمینه مشارکت اقشار مختلف جامعه را فراهم نماید و آن‌ها را در فرایند تحقق توسعه به طور عینی قرار دهد و خود نیز از نتایج توسعه بهره‌مند گردد (۵). با شناسایی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت داوطلبان جمعیت هلال احمر می‌توان موجبات مشارکت بیشتر اقشار جامعه را فراهم آورد (۶).

اهداف اصلی این طرح، شناخت عوامل مؤثر بر میزان مشارکت، برحسب مطالعه موردی داوطلبان جمعیت هلال احمر و همچنین ارائه راهکاری برای افزایش مشارکت با توجه به اهمیت و ضرورت آن در جامعه است.

روش‌ها

با توجه به محتوای پژوهش، داوطلبان جمعیت هلال احمر به دو سطح تقسیم شدند:

۱- داوطلبان فعال: داوطلبانی که در قالب گروه‌های داوطلبی (مهارت، حمایت، هدایت و مشارکت) در شرایط عادی و یا وقوع حوادث و سوانح با جمعیت همکاری می‌نمایند و براساس سرانه‌های تعریف شده در طول سال، خدمات شایانی به جمعیت ارائه می‌دهند.

۲- داوطلبان عادی: داوطلبانی که در قالب گروه‌های داوطلبی (مهارت، حمایت، هدایت و مشارکت) سازماندهی شده و برخی مواقع می‌توان از خدمات آنها بهره‌مند شد. بر اساس سرانه‌های تعریف شده در طول سال، داوطلبان فعال از عادی مجزا گردیده‌اند.

بدین ترتیب برای تعیین جامعه هدف از بین داوطلبان فعال، داوطلبان عادی و همچنین مسئولان امور داوطلبان، تعدادی به صورت اتفاقی انتخاب شدند.

در این پژوهش با استفاده از روش کیفی، امکان شنیدن مطالبی فراهم شد که شاید در مصاحبه‌های انفرادی و یا پرسشنامه هیچگاه به دست نمی‌آمد. چرا که در این تکنیک فرض بر این است که نگرش‌ها و باورهای افراد در خلا شکل نمی‌گیرد. افراد با گوش دادن به عقاید دیگران به نظرات و عقاید خود شکل می‌دهند. همچنین از کنترل مصاحبه‌کننده کاسته شده و اجازه اظهار نظر و عقیده به مشارکت‌کنندگان در بحث‌های گروهی داده می‌شود (۷). در مصاحبه با توجه به شاخص‌های در نظر گرفته شده و عوامل مورد سنجش، سؤالات به شرح زیر انتخاب گردید:

پرسش‌های اصلی

۱- مشارکت‌های داوطلبانه در ایران به صورت چهره به چهره و آنی صورت می‌گیرد و مشارکت به صورت سازمان یافته بسیار کم می‌باشد. نظر شما در خصوص مشارکت‌های مردمی در ایران چیست؟ فکر می‌کنید، چگونه می‌توانیم آن را گسترش دهیم؟

۲- (فعال) بسیاری از داوطلبان بر این باورند که در قبال هزینه‌هایی که می‌نمایند اعم از وقت، هزینه‌های مالی و... (جمعیت هلال احمر) در مقابل، وجهه و منزلت اجتماعی - اقتصادی برای آن‌ها در جامعه قائل نیست. به نظر شما چگونه می‌توان داوطلبان را تشویق و ترغیب نمود؟

(غیرفعال) بسیاری بر این باورند چنانچه جمعیت هلال احمر به عنوان یک سازمان غیردولتی برای داوطلبانش وجهه و منزلت اجتماعی قایل شود و پاداشی برای آن‌ها در نظر بگیرد، داوطلبان مشارکت بیشتری خواهند داشت. نظر شما چیست؟

۳- به اعتقاد برخی، کسانی که اعتقادات دینی قوی دارند، تمایل بیشتری به مشارکت‌های داوطلبانه دارند. آیا رابطه‌ای بین این دو وجود دارد؟ و آیا می‌توان رابطه بین اعتقادات دینی و میزان مشارکت مردم را یک رابطه مستقیم دانست؟

۴- برخی بر این عقیده‌اند که بیگانگی از کار به دلیل قوانین دست و پاگیر اداری، مانع می‌شود که داوطلب از نتایج عملکرد خود باخبر شود. به نظر شما، این سازمان تا چه حد در جهت قدرت بخشی و ایجاد فضای باز اداری برای فعالیت داوطلبانش، فعالیت نموده است؟

۵- (فعال) به نظر می‌رسد مشارکت فعال ناشی از اعتماد شما به سازمان باشد. فکر می‌کنید اعتماد چقدر تاثیرگذار است و چگونه می‌توان آن را تقویت کرد؟

(غیرفعال) برخی از داوطلبان عدم حضور خود به صورت فعال را ناشی از عدم اعتماد به سازمان و اهداف و عملکرد

آن می‌دانند. به نظر شما چگونه می‌توان در جهت تقویت اعتماد فعالیت نمود؟

۶- (فعال) به نظر شما فعالیت و حضور گسترده شما ناشی از شناخت و آگاهی به اهداف و اصول جمعیت هلال احمر می‌باشد؟ بسیاری بر این عقیده‌اند که چنانچه داوطلب از عملکرد و اهداف سازمان مطلع نباشد، فعالیتش نمی‌تواند چشمگیر باشد. نظر شما چیست؟

(غیرفعال) برخی معتقدند که تبلیغات و اطلاع‌رسانی در جمعیت هلال احمر بسیار ناچیز است، سازمان با افزایش اطلاع‌رسانی و تبلیغات، تا چه حد می‌تواند موجب گسترش فعالیت‌های داوطلبانش گردد؟

۷- (فعال) بسیاری بر این باورند که داوطلبان جمعیت هلال احمر، انتظاراتی از سازمان به منظور برآورده نمودن برخی از مشکلات خود دارند. به نظر شما این قضیه تا چه حد منطقی و قابل قبول است و چنانچه این نظر را قبول دارید، به نظر شما، جمعیت هلال احمر چه انتظاراتی را باید برآورده نماید؟

(غیرفعال) به عقیده برخی از افراد برآورده کردن انتظارات داوطلبان از طرف سازمان موجب بی‌انگیزگی داوطلبان برای مشارکت‌های فعال می‌گردد، نظر شما چیست؟

۸- (فعال) علل و انگیزه‌هایی وجود دارد که باعث حضور و مشارکت فعال شما گردیده است. فکر می‌کنید مهمترین انگیزه‌ها در مشارکت فعال شما چه می‌باشد؟ (غیرفعال) به نظر داوطلبانی که مشارکت فعال ندارند، انگیزه‌ای در آن‌ها به وجود نیامده است. فکر می‌کنید چه عواملی باعث سرد شدن می‌شود و چه کسانی باید این انگیزه‌ها را به وجود آورند؟

البته شایان ذکر است که کلیه سؤالات به جز سؤال آخر (انگیزه داوطلبان) از مسئولان امور داوطلبان نیز پرسیده شده است.

یافته‌ها

پاسخ‌های ارائه شده در سه گروه داوطلبان فعال، داوطلبان عادی و مسئولین امور داوطلبان تفکیک شد.

داوطلبان فعال

در خصوص مشارکت‌های مردمی در ایران تمامی حاضران، با برگزاری جلسات گروهی و نیز اطلاع‌رسانی درمورد اهداف و اصول جمعیت موافق بودند. بیش از نیمی از افراد به اطمینان و اعتماد به عنوان شرط لازم در مشارکت‌های مردمی اعتقاد داشتند. همچنین تشویق و قدردانی مسئولان امور داوطلبان را موجب افزایش گسترش مشارکت‌های مردمی برشمردند. یک نفر کاملاً با تشویق و قدردانی مخالف بود. کمتر از نیمی از داوطلبان برای افزایش مشارکت‌های مردمی به صورت سازمان یافته، با برنامه ریزی موافق بودند. یکی از آن‌ها نیز با آموزش داوطلبان قبل و حین مشارکت موافق بود.

در خصوص منزلت اجتماعی - اقتصادی و تشویق و ترغیب داوطلبان، بیش از نیمی از آنها جلب رضای خداوند برایشان از هر پاداش و منزلتی بالاتر بود و با بیان اینکه سازمان می‌تواند با بحث شفاف سازی به داوطلبان، وجهه و منزلت اجتماعی بدهد، افزودند که برای آنها ارزیابی و داورى مثبت خداوند مهم می‌باشد. تعداد کمی از اعضای گروه مخالف بودند. به نظر آن‌ها سازمان و حتی قانون باید جایگاهی برای افراد خیری که در مشارکت‌های مردمی حضور مستمر دارند در نظر بگیرد و بستر مناسبی برای تشویق و ترغیب داوطلبان در نظر بگیرد. آن‌ها معتقد بودند سازمان داوطلبان از طریق تعامل با سازمان جوانان می‌تواند زمینه لازم را فراهم نماید. تمامی داوطلبان، اعتقادات دینی را عامل مهمی در میزان مشارکت‌های داوطلبانه می‌دانستند و به نظر آن‌ها بین میزان مشارکت مردم و اعتقادات دینی رابطه‌ای مستقیم وجود دارد.

در زمینه بیگانگی از کار، تمامی افراد به دلیل آشنایی کامل به فعالیت‌های سازمان و حضور فعال در سازمان، خودشان را از عملکرد سازمان جدا نمی‌دانستند و سازمان را مأمونی برای تبلور توانایی هایشان بر می‌شمردند. به نظر آن‌ها قوانینی در سازمان وجود ندارد که مانع از مشارکت آن‌ها شود و احساس بی‌قدرتی نمایند. اغلب آنها برگزاری جلسات گروهی را برای جلوگیری از احساس بیگانگی و بی‌قدرتی داوطلبان پیشنهاد نمودند.

در خصوص بحث اعتماد، همه داوطلبان حضور و مشارکت خود را ناشی از اعتماد به سازمان می‌دانستند و اغلب اعتقاد داشتند، اگر افراد با شفاف سازی‌ها و اطلاع رسانی دقیق بدانند توانشان صرف چه راهی می‌شود، مشارکت می‌نمایند. همه بر این باور بودند که اعتماد می‌بایست دوجانبه باشد.

در خصوص تبلیغات همه معتقد بودند که تبلیغات در هلال احمر بسیار کم است. حدود ۷۵٪ داوطلبان را مهمترین مبلغان جمعیت می‌دانستند؛ به شرط آنکه به داوطلب آموزش و اطلاعات در زمینه اهداف جمعیت هلال احمر ارائه شود. اغلب داوطلبان با تبلیغات چندرسانه‌ای موافق بودند.

در خصوص انتظارات داوطلبان، همه انتظار در حد احترام متقابل و حمایت‌های روانی از طرف مسئولان امور داوطلبان و همچنین تقدیر و تشکر از فعالیت‌های داوطلبان، برای افزایش و تقویت میزان مشارکت‌های مردمی را منطقی می‌دانستند. بیش از نیمی از داوطلبان، ثبت فعالیت‌های داوطلبان در گزارش‌ها و سوابق جمعیت هلال احمر با کلیه مشخصات و نیز آگاهی از نتایج عملکرد خود را، جزو انتظاراتشان مطرح نمودند و این امر را موجب افزایش اشتیاق داوطلبان می‌دانستند.

با بررسی انگیزه‌های مشارکت‌های داوطلبان فعال می‌توان گفت همه آن‌ها به دلیل احساس یک نوع نیاز درونی و سعی در جهت ارضای آن در مشارکت‌های مردمی به صورت فعال حضور دارند.

داوطلبان غیرفعال

در خصوص مشارکت‌های مردمی همه معتقد بودند که برای حضور و مشارکت فعال داوطلبان می‌بایست کلیه عملکرد داوطلبان به صورت دقیق گزارش و اطلاع رسانی شود، تمامی داوطلبان شفاف سازی را بسیار مؤثر می‌دانستند. بیش از نیمی از پاسخ دهندگان شفاف سازی را موجب افزایش اعتماد و به تبع آن افزایش مشارکت می‌دانستند.

نیمی از داوطلبان مدیریت صحیح جهت جذب مشارکت‌های مردم را در تشویق داوطلبان با ارائه تسهیلات رفاهی مؤثر می‌دانستند. اغلب نقش دولت را در مهیا نمودن بستر مناسب به منظور جذب مشارکت‌های داوطلبان به صورت فعال مؤثر می‌دانستند.

درخصوص منزلت اجتماعی - اقتصادی و تشویق و ترغیب داوطلبان، همه معتقد بودند که هیچ وجهه و منزلتی از طرف سازمان برای آن‌ها در جامعه در نظر گرفته نشده است و کمتر از نیمی از آن‌ها عدم مشارکت خودشان را ناشی از عدم وجود منفعت مالی و معنوی مطرح نمودند. اغلب معتقد بودند برای حفظ منزلت و جایگاه داوطلبان، سازمان می‌بایست برای داوطلبانش هزینه کند و داوطلب بداند علاوه بر اجر اخروی، منفعت مالی و جایگاه اجتماعی نیز برای او در نظر گرفته شده است.

درخصوص اعتقادات دینی، اغلب معتقد بودند که بین دین و میزان مشارکت‌های داوطلبانه رابطه وجود دارد. کمتر از نیمی از پاسخ دهندگان در زمینه باورهای دینی اعتقاد داشتند که در برهه‌های خاصی از تاریخ مثل جنگ، بسیار تأثیرگذار می‌باشد.

در خصوص بیگانگی از کار، همه این افراد، با قوانین و مقرراتی که در راستای اصول و اهداف جمعیت هلال‌احمر باشد موافق بودند. کمتر از نیمی از پاسخ دهندگان ضعف مدیریت را موجب دلسردی در فعالیت‌هایشان ذکر نمودند و گفتند که عملکرد بعضی از مدیران باعث می‌شود که قوانین به نحوی دست و پاگیر، نمود پیدا کند. اغلب پاسخ دهندگان از قوانین و مقررات سازمان مطلع نبودند و بیان کردند به دلیل عدم اطلاع‌رسانی و آموزش نمی‌دانیم که چه قوانینی در این سازمان اجرا می‌شود.

درخصوص اعتماد اجتماعی همه معتقد بودند که اعتماد متقابل به وجود نیامده است و اغلب علت عدم اعتماد خود را بی‌اطلاعی از عملکرد و گزارش‌های سازمان می‌دانستند و اطلاع رسانی را در افزایش اعتماد بسیار مؤثر می‌دانستند.

درخصوص تبلیغات می‌توان به وضوح بیان نمود که هیچ کدام از داوطلبان از طریق تبلیغات در رسانه‌های گروهی با سازمان آشنا نشده‌اند. بعضی از طریق عضویت در شیر و خورشید و اغلب از طریق دوستان و آشنایان و پرسنل جمعیت هلال‌احمر با این سازمان آشنا شده‌اند. همگی معتقد بودند که بدون تبلیغات، جمعیت هلال‌احمر قادر نیست به اهداف و انتظاراتش برسد.

همه انتظار از سوی داوطلبان را منطقی می‌دانستند و هر کدام انتظاراتی را برشمردند و انتظارات اغلب در جهت رفع نیازهای مادی داوطلبان بود.

در خصوص عدم انگیزه مشارکت‌های فعال، ۷۵٪ بی‌اهمیتی و ناتوانایی سازمان در استفاده از توانایی‌هایشان را علت کاهش انگیزه خود می‌دانستند و معتقد بودند جمعیت هلال‌احمر باید طوری بسترسازی کند که احساس نیاز نمایان شود. حدود نیمی علت مشارکت نکردن خود را به صورت فعال، ناشی از بی‌اطلاعی از عملکرد دقیق سازمان دانستند.

مسئولان امور داوطلبان

در خصوص مشارکت‌های مردمی، اغلب معتقد بودند که فرهنگ مشارکت‌های داوطلبانه در کشور ما وجود دارد و باید احساس نیاز جمعی در همه مواقع را در کشور از طریق تبلیغات و اطلاع رسانی نمایان سازند. در مقابل تعداد کمی نظر عکس داشتند و به نظرشان فرهنگ مشارکت در ایران وجود ندارد و فرهنگ سازی را عامل مهم افزایش مشارکت می‌دانستند. همه عدم وجود قوانین مردمی در کشور را مهم‌ترین مانع در جهت جذب مشارکت‌های مردمی می‌دانستند و به نظر آن‌ها حکومت‌های شایسته سالار و مردم سالار در این زمینه نقش مؤثری دارند. نیمی تنوع و تعدد در اهداف سازمان‌هایی را که مشارکت‌های مردمی را جذب می‌نمایند، در افزایش مشارکت مؤثر می‌دانستند ولی در مقابل نیمی دیگر، تنوع و تعدد را باعث سودجویی برخی از عوامل می‌دانستند.

درخصوص منزلت اجتماعی - اقتصادی و تشویق و ترغیب داوطلبان همه معتقد بودند که افتخار داوطلب جمعیت هلال‌احمر مهمترین و بهترین منزلت و جایگاه برای داوطلبان است. همچنین مواردی مانند تقدیر و تشکر در همایش‌ها و دادن کارت عضویت را از کارهای مثبت سازمان ارزیابی نمودند.

در خصوص اعتقادات دینی همه گفتند بین اعتقادات دینی و میزان مشارکت یک رابطه مستقیم وجود دارد.

در زمینه بیگانگی از کار همه با هم متفق القول ضعف مدیریت را باعث عملکرد ناقص سازمان و به تبع آن موجب بیگانگی داوطلبان از فعالیت‌هایشان در سازمان می‌دانستند. همه آن‌ها با قوانین و مقررات موافق بودند و به نظر آن‌ها چنانچه قوانین عیناً انجام شود داوطلبان

می‌توانند از نتایج عملکردشان مطلع شوند و احساس بیگانگی و بی‌قدرتی کاملاً از بین می‌رود.

درخصوص اعتماد اجتماعی اغلب معتقد بودند که مردم به جمعیت هلال‌احمر اعتماد دارند و تعداد کمی معتقد بودند به دلیل حوادث اخیر مردم اعتمادشان به جمعیت کم شده است. بیش از نیمی از آن‌ها نیز اطلاع رسانی دقیق و به موقع را در خصوص تقویت اعتمادسازی مؤثر و مفید می‌دانستند.

در خصوص تبلیغات همه موافق با تبلیغات و اطلاع رسانی فعالیت‌های جمعیت هلال‌احمر بودند.

همه آن‌ها با انتظار در حد آگاهی از نتایج عملکردشان موافق بودند و ۲۵٪ از آن‌ها میزان انتظار را وابسته به میزان مشارکت داوطلبان می‌دانستند و به نظر آن‌ها سازمان باید میزان مشارکتی که از داوطلب دریافت می‌کند را با برآورده نمودن انتظارات آن‌ها مدنظر قرار دهد.

بحث

داوطلبان فعال نگاه غایت‌گرایانه به مشارکت دارند. همه برگزاری جلسات گروهی را عامل مهمی برای غلبه بر احساس بی‌قدرتی می‌دانند. در این جلسات گروهی است که قدرت جمعی که آرنت آن را «قدرت ارتباطی» می‌نامد، آفریده می‌شود و تکوین می‌یابد. احساس «بیگانگی» و «بی‌قدرتی» که ریشه‌های نظری آن نزد جامعه‌شناسان کلاسیک است، در بین داوطلبان فعال که حضور گسترده در سازمان دارند، وجود ندارد. به نظر آن‌ها اعتماد کردن نوعی روحیه جمعی ایجاد می‌کند که زمینه را برای رشد و افزایش مشارکت فراهم می‌سازد.

در مقابل داوطلبان غیرفعال که رویکرد ابزاری به مشارکت دارند و برای افزایش اعتماد، شفاف‌سازی را مطرح می‌نمایند، در برخورد ابزاری با مشارکت در سطح فردی، شاهد داوطلبانی هستیم که با در نظر گرفتن اصل «هزینه - سود» مبادرت به مشارکت می‌نمایند. داوطلبان فعال با رویکرد غایت‌گرایانه، مشارکت گسترده خود را به عنوان وظیفه تلقی می‌نمودند و انگیزه مشارکت خود را در به منظور ارضای نیازهای درونی خویش می‌دانستند، در حالی که داوطلبان غیرفعال، عدم مشارکت خود را ناشی از ضعف مدیریت در سازمان می‌دانستند.

مسئولان امور داوطلبان طبق نظریه کارکردگرایان (۸) معتقد بودند که برای گسترش مشارکت به صورت مستمر و سازمان یافته باید احساس نیاز به مشارکت در جامعه نهادینه شود.

در بحث منزلت اجتماعی - اقتصادی، اغلب داوطلبان فعال جلب رضای خداوند را بالاترین منزلت اجتماعی می‌دانستند در حالی که داوطلبان غیرفعال نگاه ابزاری به مشارکت دارند و همانند نظریه پردازان ابزارگرا، صرفاً منزلت و سود اقتصادی را مدنظر قرار می‌دهند. در مقابل به نظر

مسئولان امور داوطلبان نیز، افتخار داوطلب جمعیت هلال‌احمر بودن، مهمترین و بهترین منزلت و جایگاه برای داوطلبان است (۹).

در خصوص اعتقادات دینی و رابطه آن با مشارکت، داوطلبان فعال طبق نظریه تفسیریون، رفتارهای خود را در چارچوب ارزش‌ها، هنجارها، آداب و رسوم و باورهای فرهنگی تفسیر می‌کنند و بر اساس معنایی که از آن استنباط می‌کنند، مبنایی برای رفتارهای مشارکتی خود می‌سازند. داوطلبان غیرفعال و مسئولان امور داوطلبان نیز با آنان هم عقیده بودند و به نظر آن‌ها رابطه مستقیم بین اعتقادات دینی و مشارکت وجود دارد (۱۰).

بیگانگی از کار نیز یکی از عناصر مورد توجه نظریه پردازان غایت‌گرا به مشارکت است. داوطلبان فعال به دلیل حضور گسترده خود و آشنایی کامل با قوانین و عملکرد مدیران در جمعیت هلال‌احمر، کمتر احساس بی‌قدرتی و بیگانگی می‌نمایند. در مقابل داوطلبان غیرفعال به دلیل عدم حضور مؤثر و مستمر در سازمان، از قوانین و مقررات بی‌اطلاع بودند و خود را نسبت به فعالیت‌ها و عملکرد سازمان بیگانه می‌دانستند. مسئولان امور داوطلبان نیز بیگانگی از کار را ناشی از عملکرد ناقص سازمان می‌دانستند؛ نه از قوانین و مقررات حاکم بر آن (۱۱).

داوطلبان فعال حضور خود را ناشی از اعتمادشان به جمعیت هلال‌احمر می‌دانستند. به عقیده کلمن، اعتماد کردن، خود نوعی مشارکت تلقی می‌شود (۱۲). در مقابل داوطلبان غیرفعال علت عدم حضور خود را عدم اعتماد متقابل مطرح نمودند و اغلب آن‌ها عدم اعتماد خودشان را ناشی از بی‌اطلاعی از عملکرد و گزارش‌های سازمان به صورت شفاف می‌دانستند. مسئولان امور داوطلبان به صورت خوش بینانه معتقد بودند که مردم به دلیل سابقه ارزنده شیر و خورشید (هلال‌احمر کنونی) به جمعیت هلال‌احمر اعتماد دارند.

داوطلبان فعال و غیرفعال و مسئولان امور داوطلبان همگی معتقد بودند که تبلیغات و اطلاع رسانی در جمعیت بسیار کم می‌باشد. همه آن‌ها اعتقاد داشتند که چنانچه داوطلبان با اهداف و عملکرد سازمان آشنایی کامل داشته باشند، مشارکت آن‌ها افزایش می‌یابد.

داوطلبان فعال با رویکرد غایت‌گرایانه به مسئله انتظارات نگاه می‌کردند. آن‌ها مشارکت خود را وظیفه می‌دانستند و انتظارات خود را در حد احترام متقابل و حمایت‌های روانی از طرف مسؤولین امور داوطلبان مطرح نمودند. در مقابل داوطلبان غیرفعال، نگاه ابزارگرایانه به مسئله انتظارات دارند و انتظاراتشان به منظور برآورده شدن نیازهای مالی و اقتصادی‌شان می‌باشد (۱۳).

علل و انگیزه مشارکت در بین داوطلبان فعال، ارضای نیازهای درونی شان می‌باشد. آن‌ها با نگاه غایت‌گرایانه

بدون محاسبه سود و زیان، مبادرت به مشارکت می نمایند. در مقابل داوطلبان غیرفعال، رویکردی ابزاری به مشارکت دارند. هدف اصلی آن‌ها نیل به فواید اقتصادی یا کسب منزلت اجتماعی - اقتصادی است. آن‌ها مشارکت خودشان را هدف نمی دانند؛ بلکه آن را ابزاری برای توسعه برنامه های خود در نظر می گیرند. آن‌ها با در نظر گرفته اصل «هزینه - سود» مبادرت به مشارکت می نمایند (۱۴).

با توجه به دیدگاه های مختلف در خصوص مشارکت داوطلبانه، می بایست کارکردی دوگانه برای مشارکت قایل شد. یعنی روشی برای آموزش و آگاهی داوطلبان برای حضور در جلسات گروهی و شرکت در اتخاذ تصمیمات و در عین حال سهمیم شدن در مسئولیت. در این رهیافت، نگاه صرفاً غایت گرایانه و یا نگاه محض ابزارگرایانه که نفس مشارکت را انکار و صرفاً اهداف مشارکت را مدنظر قرار می دهد، مطرود است. همانطور که اهداف مشارکت مهم و جز سرمایه اجتماعی است، خود مشارکت نیز با اهمیت و از سرمایه های اجتماعی است. مشارکت در جمعیت هلال احمر نیز به عنوان غایت و هدف مورد نظر است. در واقع می بایست زمینه هایی همچون اختیاردی، قدرت دهی، منزلت اجتماعی، اقتصادی و اعتمادسازی ایجاد شود تا فرد در قالب سازمانی و از روی اختیار و آگاهی به مشارکت روی آورد (۱۵).

آموزش و آگاه سازی داوطلبان، با اهداف و اصول جمعیت هلال احمر، قبل از مشارکت و در حین مشارکت، تشکیل جلسات گروهی به صورت مستمر برای شناسایی مسائل و مشکلات سازمان و نیز یافتن راه حل و نحوه عملی کردن آن در بحث های گروهی، تبلیغات گسترده از طریق رسانه های گروهی به منظور آشنایی افراد برای عضویت در سازمان و آگاهی از سازمان به عنوان پل رابط بین توان توانمندان و نیاز نیازمندان؛ سعی در جلب رضایت داوطلبان

کنونی به عنوان بهترین سرمایه سازمان از طریق گزارش های دقیق و به موقع (تا بدین طریق داوطلبان بدانند خدمات آنان در چه راهی مصرف می گردد)، قطع تدریجی کمک های دولتی به جمعیت هلال احمر به عنوان یک سازمان مردمی و مستقل شدن سازمان با توجه به اصول هفتگانه آن، سعی در گسترش اعتماد متقابل بین سازمان و داوطلبان برای افزایش مشارکت های داوطلبان، حفظ منزلت اجتماعی از طریق اهمیت به داوطلبان و احترام به شأن و مقام داوطلب، در نظر گرفتن منزلت اقتصادی برای داوطلبان از طریق ارائه تسهیلات رفاهی مانند کارت های تخفیف جهت ترغیب افراد دیگر به داوطلب شدن، استفاده از افراد معتمد، سرشناس و محبوب در زمینه های گوناگون در جامعه در جهت گسترش اعتماد مردم و افزایش مشارکت آن‌ها در جمعیت؛ تلاش برای اینکه داوطلبان کار و مشارکت در جمعیت هلال احمر را، بالاترین افتخار بدانند و با شور و اشتیاق مشارکت کنند و تشکر و قدردانی از زحمات داوطلبان با حفظ شأن داوطلبی ایشان از پیشنهادهایی است که می توان با توجه به نتایج این مطالعه ارائه داد (۱۶).

با توجه به دیدگاه های مختلف در خصوص مشارکت داوطلبانه می بایست کارکردی دوگانه برای مشارکت قائل شد، یعنی روشی برای آموزش و آگاهی داوطلبان برای حضور در جلسات گروهی و شرکت در اتخاذ تصمیمات و در عین حال سهمیم شدن در مسئولیت. در این رهیافت، نگاه صرفاً غایت گرایانه و یا نگاه محض ابزارگرایانه مطرود است، که نفس مشارکت را انکار می کند و صرفاً اهداف مشارکت را مدنظر قرار می دهد. مشارکت در جمعیت هلال احمر هم به عنوان غایت و هم به عنوان هدف مورد نظر است.

1. Arabi A. Public participation & Sustainable Development: Interior Ministry, Tehran, 2000.[In Persian]
2. Ghafari Gh. determining effective socio-cultural factors on organized rural areas social, economical participation in Kashan. Thesis of PhD, 2001. [In Persian]
3. Jomeh Pour M. Participation Rapid Assessment Function, Allame Tabatabai University, 2001. [In Persian]
4. Piran P. The principle concept of rural women participation. Journal of Agriculture Economy & development, 1997, 1: 64. [In Persian]
5. Rezaee A. Social Participation: Development goal or tool, Journal of Economic & Political Information, Tehran, 1978, 109:110. [In Persian]
6. Saeedi M. Studying of NGOs Development Obstruction in Iran, thesis of PhD, Tarbiat Modares University, 2002. [In Persian]
7. Share Pour M. Social capital erosion and its effect, Iran Sociology Association Letter. 2001, pp: 3.
8. Taleb M. Participation Nature & Participation in Natural Resources, 1st. Conference of natural resources, participation and public participation office development, 2000. [In Persian]
9. Tavasoli GH. Sociology Theory, Samt publication, Tehran, 1990. [In Persian]
10. Alavi tabar A. compiling a participation pattern of citizens in managing cities, Iran Municipalities Organization. 2001. [In Persian]
11. Anbari M. University Students family background relation with Social Participation. thesis of MA, Faculty of Social Sciences, Tehran University, 1998. [In Persian]
12. Inghart R. Cultural Change in An Industrial Advanced Society, translated by Vatar M, Kavir Publication, Tehran, 1994.
13. Torres T, Amaryllis T, Rosario S, and et Al. Gender and Development, Making the Bureaucracy Gender-Responsive. translated by Yousefian J, Banou publication, 1996. [In Persian]
14. Janoski T, Wilson J. Pathways to Voluntarism: Family Socialization & Status Transmission Models. 1995.
15. Orum C, Anthony M. introduction to Political Sociology, 3rd edition, 1989.
16. Smith C. Participation without Power, Subterfuge or Development Community. Development Journal. 1998; 33:3.

